

بررسی عوامل برون دانشگاهی موثر بر کیفیت آموزش عالی در دانشگاه های آزاد

مقصود سعیدی

چکیده:

آموزش عالی ایران در دو دهه گذشته به چالشها و مسائل متعددی مواجه شده است. گسترش کمی دانشگاه ها، کثرت موسسات آموزشی متنوع، افزایش تعداد دانشجویان و گاهها وجود خیل عظیم دانش آموخته بیکار از جمله چالشهایی هستند که نظام آموزش عالی ایران را با مشکلات عدیده ای مواجه نموده است. گسترش کمی نظام آموزش عالی بدون توجه به ظرفیت های موجود و توان بافت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، کاهش کیفیت نظام آموزش عالی نیز به دنبال خواهد داشت. در واقع نمی توان گسترش کمی و ازدیاد تعداد دانشجویان و دانش آموختگان را دلیلی بر وجود کیفیت مطلوب دانست. این چالش ها لزوم مسئولیت پذیری و پاسخگویی را در نظام آموزش عالی ایران منجر شده است و نظام دانشگاهی را وادار به باز اندیشی در ساختار، رسالت، اهداف، کارکردها و فرایندهای خود نموده است. از آنجا که دانشگاهها از جمله مهمترین نهادهایی هستند که جوامع جهت رشد و توسعه به آنها نیاز دارند. شفافیت، پاسخ گویی، بهبود کیفیت در آنها الزامی است. تغییر و تحول در سیستم پویای دانشگاه و توسعه متعادل و نظام مند آن، نیازمند تفکر و عمل برنامه ریزی و مدیریت و سازگاری با محیط درون سازمانی و محیط بیرونی دانشگاه به منظور پاسخ گویی به نیازهای جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. در این مقاله هدف بررسی عوامل برون دانشگاهی موثر بر کیفیت آموزش عالی می باشد. در این تحقیق از روش کیفی تحلیل محتوا استفاده شده است. نمونه تحقیق ۳۳ نفر؛ ۷ نفر خبر گان کلیدی و ۱۶ نفر رؤسای دانشگاهی تشکیل میدهند که دارای تجربه مدیریت و مطالعاتی در دانشگاه آزاد تبریز داشتهاند.

واژگان کلیدی: عوامل برون دانشگاهی، کیفیت نظام آموزش عالی، ارزیابی نظام آموزش عالی

۱ - مقدمه

نظام های آموزش عالی در کشورهای مختلف، در اثر تحولات جهانی در دو دهه گذشته، با روندهایی روبهرو شده اند که نه تنها فرایند عملیاتی آنها را تحت تاثیر قرار داده، بلکه هدف های آنها را نیز متحول کرده است. از جمله این روندها، می توان به جهانی شدن و دانش - محور شدن اقتصاد و نیز به فناوری های اطلاعات و ارتباطات اشاره کرد (World Bank, 2002). روندهای یاد شده، می توانند بر نظام های آموزش عالی کشورهای جهان سوم تاثیر دوگانه ای داشته باشند؛ از یک سو، در صورت تشخیص فرصت ها و پی بردن به قوت ها، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی می توانند نارسایی ها و نقاط ضعف خود را کاهش دهند و پیشرفت های علمی کشور را تسهیل کنند. این امر خود موجب می شود که به توسعه جامعه یاری دهند. از سوی دیگر، در صورت تشخیص ندادن فرصت ها و ناشناخته ماندن نارسایی ها و ضعف های گذشته، دانشگاه های کشورهای در حال توسعه، در وضعیتی قرار خواهند گرفت که فاصله موجود میان کشور خود و سایر کشورها را از نظر پیشرفت علمی تشدید خواهند کرد.

بنابراین، هر چند دانشگاهها و سایر مراکز آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه با مسائلی همچون نارسایی های اداری و مدیریتی، تأمین منابع انسانی و مالی، نابرابری فرصت های آموزشی روبهرو بوده اند، اما روندهای یاد شده می توانند مسائل دست به گریبان آموزش عالی را پیش از